

قومیت و بارورک: نگاهی به کارهای صورت گرفته در ایران

فصلنامه جمعیت. تابستان ۹۱

محمد ترکشوند

• کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

یکی از مباحث مطرح در حوزه باروری بحث تفاوت قومیت‌ها در باروری است. در مورد نقش قومیت در باروری اختلافی فرضیه‌های متفاوتی مطرح است. از جمله می‌توان به فرضیه مشخصه‌های اجتماعی، فرضیه مشخصه‌های خرده‌فرهنگی و فرضیه موقعیت گروه اقلیت اشاره کرد.

ایران کشوری چندقومیتی است. این قومیت‌ها دارای رفتارهای جمعیت‌شناختی متفاوتی می‌باشند. لذا شرایط ایران برای مطالعاتی که به بررسی تأثیر قومیت بر رفتارهای جمعیت‌شناختی می‌پردازند، محیا می‌باشد. با وجود اهمیت بحث قومیت در ادبیات جمعیت‌شناسی، و همچنین محیا بودن ایران برای اینگونه مطالعات، تا کنون تحقیقات اندکی در این رابطه در ایران صورت گرفته است. در همین تحقیقات صورت گرفته نیز ضعف‌های بسیاری وجود دارد. اکثر این تحقیقات محدود به چند قومیت در ایران بوده و همه قومیت‌ها را در کنار هم بررسی نمی‌کنند. همچنین اینکه این تحقیقات محدود به فرضیه مشخصه‌های اجتماعی بوده و حتی اکثرشان این فرضیه را نیز به طور کامل پوشش نداده‌اند و خود را محدود به چند متغیر زمینه‌ای کرده‌اند. ضعف دیگر توجه ناکافی به تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری و لذا عدم توانایی در نشان دادن مکانیسمی است که قومیت بر باروری تأثیر می‌گذارد. نکته دیگر این است که با وجود اینکه در شرایط فرهنگی ایران مردها نقش مؤثری در تصمیمات زندگی دارند، ولی در این تحقیقات توجهی به آنان و نقش‌شان در باروری نشده است.

واژگان کلیدی: قومیت، باروری، فرضیه مشخصه‌های اجتماعی، فرضیه مشخصه‌های خرده‌فرهنگی، فرضیه موقعیت گروه اقلیت، ضعف تحقیقات قومیت و باروری

مقدمه و طرح مسئله

امروزه بسیاری از وظایف و کارکردهایی که در گذشته مختص به خانواده‌ها بود، به دولت واگذار شده است. لذا با افزایش نیازهای امروزی وظایف دولت‌ها بسیار گسترده شده است، که برای انجام این وظایف راهی جز عمل کردن بر طبق برنامه‌ریزی‌های دقیق وجود ندارد. عامل اصلی موفقیت این برنامه‌ریزی‌ها نیز در شناخت شرایط موجود می‌باشد. از سویی یکی از ارکان اصلی تشکیل دهنده شرایط، جمعیت و ویژگی‌های آن می‌باشد. در واقع از آن جایی که برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای جمعیت صورت می‌گیرد، مهم‌ترین متغیری که در برنامه‌ریزی باید به آن توجه شود جمعیت و ویژگی‌های آن می‌باشد، و یکی از ویژگی‌های مهم جمعیت که در برنامه‌ریزی باید به آن توجه شود، ترکیب سنی آن می‌باشد. چرا که افراد بر اساس سنی که در آن قرار دارند، نیازها و توانایی‌های متفاوتی را دارند. برای مثال افراد پیرتر جمعیت مصرف متفاوتی را از خدمات مراقبت بلند مدت و بهداشت دارند (کینسل و فیلیپس^۱ ۲۰۰۵: ۱۰). عامل اصلی تغییرات ساختار سنی جمعیت نیز باروری و تغییرات آن می‌باشد. لذا هر گونه سیاست‌گذاری در مورد روندهای جمعیتی در آینده، مستلزم در نظر گرفتن تغییرات باروری می‌باشد. کشور ایران در سال‌های اخیر شاهد تحولات شگرفی در میزان باروری کل^۲ بوده است. به طوری که میزان‌های باروری که تا قبل از دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۶۵ در سطوح خیلی بالا (بالاتر از ۶ کودک برای هر زن) بوده‌اند، از این دوره شروع به کاهش کرده و در دوره ۱۳۸۵-۱۳۸۰ به کمتر از سطح جایگزینی^۳ رسیده و از این دوره به بعد نیز انتظار بر این است که به کاهش خود ادامه دهد. به طوری که در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ (به ۱/۸۳) و در دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۵ به مقدار (۱/۳۹) خواهند رسید (سازمان ملل ۲۰۰۹، به نقل از تراکشوند ۱۳۸۹: ۵۵).

البته این میزان‌ها نشان‌دهنده متوسط باروری در سطح کل کشور می‌باشد، و باروری استان‌های کشور سطوح کاملاً متفاوتی را به دست می‌دهند، به طوری که در برخی از استان‌ها میزان باروری بالاتر از سطح کشور و در برخی دیگر پایین‌تر از آن بوده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته می‌توان استان‌های ایران را بر مبنای سطح باروری‌شان در سه گروه؛ با باروری زیر سطح جایگزین، نزدیک به سطح جایگزین و بالای سطح جایگزین طبقه‌بندی کرد (حسینی چاوشی^۴ و دیگران ۲۰۰۷: ۱۲). همچنین بر اساس مطالعات عباسی (۱۳۸۰) در دوره زمانی ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۵ تفاوت‌های شایان توجهی در باروری استان‌های ایران وجود دارد؛ استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، ایلام و چهارمحال بختیاری به مراتب دارای میزان‌های باروری بالاتری نسبت به استان‌های تهران، گیلان، سمنان، اصفهان و یزد بوده‌اند. برای مثال در دوره سه ساله ۱۳۷۵-۱۳۷۲ بالاترین میزان باروری در استان‌های سیستان و بلوچستان (۴/۶)، هرمزگان (۳/۹)، کهگیلویه و بویراحمد (۳/۷)، کردستان (۳/۶) مشاهده شده و بالعکس پایین‌ترین میزان باروری مربوط به استان‌های تهران (۲)، گیلان (۲)، اصفهان (۲/۱) و سمنان (۲/۲) بوده است.

همانگونه که مشاهده می‌شود سطوح باروری در استان‌های ایران از هم متفاوت است، لذا در برنامه‌ریزی‌ها باید کاملاً به آن توجه شود. همانگونه که ذکر شد برای شناخت این تفاوت‌ها و ارزیابی آنها در آینده باید عوامل آنها را بشناسیم.

1. kinselle and Phillips
2. Total Fertility Rate
3. TFR = 1/2
4. Hosseini - Chavoshi

در مورد باروری اختلافی عوامل بسیاری وجود دارد که یکی از آنها قومیت می‌باشد، که در مورد تفاوت استان‌های ایران نیز می‌تواند در نظر گرفته شود (عباسی شوازی و مک دونالد ۲۰۰۵: ۲۵، به نقل از عباسی و حسینی ۱۳۸۶: ۲). در این بررسی نیز تمرکز ما بر این عامل می‌باشد و قصد داریم مکانیسم‌هایی را که قومیت از طریق آن می‌تواند بر باروری تأثیر بگذارد را مطرح کنیم. در این خصوص اشاره‌ای نیز بر بررسی‌های به عمل آمده در ایران داریم و سعی می‌کنیم با توجه به چهاچوب‌های مطرح شده کاستی‌های آنها را نیز مطرح کرده و پیشنهادات اصلاحی را برای آینده تحقیقات قومیت و باروری در ایران داشته باشیم.

قومیت، تفاوت فرهنگی، باروری اختلافی

درواقع باروری از دو جزء زیستی و اجتماعی تشکیل شده است. جزء زیستی به توانایی تولید مثل گفته می‌شود. اگرچه توانایی تولید مثل شرط لازم برای پدر و مادر شدن ولی به تنهایی کافی نیست. تعداد کودکان هر جامعه بیشتر تحت تأثیر محیط اجتماعی قرار دارند که مردم در آن زندگی می‌کنند (ویکس ۱۳۸۵: ۱۷۶). محیط اجتماعی و فرهنگ حاکم بر آن به عنوان یک متغیر مستقل بر بسیاری از تعیین کننده‌های اقتصادی اجتماعی و جمعیت‌شناختی باروری تأثیر گذار می‌باشد؛ از جمله سن ازدواج، ارزش‌های وابسته به ازدواج، آداب رسوم مربوط به مهریه، سقط جنین، استفاده از روش‌های جلوگیری از حاملگی، ارزش فرزندان، ترجیح جنسی، تابوهای جنسی، طول مدت شیردهی، باورهای سنتی و مذهبی، روابط خویشاوندی و طلاق و فراوانی مقاربت‌های جنسی (حسینی ۱۳۸۶: ۱۲۷). در واقع همانگونه که همل ذکر می‌کند: «فرهنگ می‌تواند تبیین کند که چرا افراد جوامعی که به ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسانی به سر می‌برند، ولی از نظر آداب و رسوم و زبان متفاوت هستند، در زمینه‌های دموگرافیک متفاوت عمل می‌کنند. فرهنگ می‌تواند توضیح دهد که چرا جمعیت یک منطقه در طول زمان یکسان عمل می‌کند، هرچند که شرایط اقتصادی آن تغییر کند» (میرزایی ۱۳۷۵).

با توجه به مدل بنگار تز در مورد تعیین کننده‌های بلافصل^۱ باروری بهتر می‌توان اثر فرهنگ و ارزش‌های قومی را تشریح کرد. بنگار تز عوامل بلافصل را در دو دسته‌ی؛ عواملی که بر طول دوره تولید مثل و عواملی که بر نرخ فرزندآوری در آن دوره تأثیر گذار می‌باشند تقسیم‌بندی می‌کند: در طول دوره تولید مثل متغیر اصلی سن ازدواج و میزان طلاق در جامعه است. میزان فرزندآوری نیز متأثر از فاصله بین موالید که خود به سه عنصر؛ ۱- فاصله ناباروری بعد از تولد^۲ که متأثر از رفتار شیردهی می‌باشد. ۲- زمان انتظار برای آبستنی^۳ یا فاصله تخمک‌گذاری^۴، از اولین تخمک‌گذاری بعد از وضع حمل تا آبستنی، که متأثر از احتمال آبستنی طبیعی^۵، که خود متأثر از فراوانی مقاربت بوده، و همچنین استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی می‌باشد. ۳- حاملگی کامل^۶. در مواردی که حاملگی به طور زودرس پایان یابد، فاصله موالید با توجه به مدت حاملگی، تأخیر در آبستنی و یک دوره ناباروری،

1. Proximate determinants
2. Postpartum infecundable interval
3. Conception
4. Ovulatory interval
5. Natural fecundability
6. Full-term pregnancy

طولانی تر می شود. در کل در این مدل ۷ متغیر وجود دارد؛ ۱- ازدواج (و طلاق)، ۲- شروع نازایی واقعی^۱، ۳- ناباروری بعد از وضع حمل، ۴- احتمال آبستنی طبیعی یا فراوانی مقاربت، ۵- استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی، ۶- مرگ میر درون رحمی غیر عمدی^۲، ۷- سقط جنین ارادی^۳ (بنگارتز ۱۹۸۳: ۵).

در این رابطه می توان گفت که در دسته اول متغیرها، ارزش های فرهنگی می توانند در زمانبندی ازدواج و میزان طلاق در جامعه مؤثر باشند و لذا طول دوره تولید مثل را تحت تأثیر قرار دهند. در دسته دوم نیز شیردهی، سقط جنین عمدی به شدت تحت سلطه هنجارهای فرهنگی می باشند و ارزشها و هنجارهای فرهنگی همچنین در استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی مؤثر می باشند. لذا فاصله بین موالید نیز متأثر از ارزش های قومی و فرهنگی است.

انسی کول نیز در این رابطه یکی از پیش شرطهای کاهش باروری را در پذیرش «انتخاب عقلانی» به عنوان گزینهی ارزشمند در باروری می داند. در واقع اگر فرد معتقد باشد که نیرویی فراطبیعی باروری را در دست دارد، در آن صورت جرات نمی کند که باروری اش را کم کند (ویکس ۱۳۸۵: ۲۲۸). برای مثال در ایران زنان بلوچی از سایر قومیت ها نگاه سنتی تری داشته، به طوری که حدود ۵۰ درصدشان استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی را دخالت در کار خدا دانسته اند، در صورتی که در بین زنان گیلکی فقط ۱۱ درصد این عقیده را داشته اند (عباسی و دیگران ۱۳۸۳: ۱۰۴).

در نتیجه می توان گفت که قومیت هم می تواند در نگرش های افراد در مورد تعداد فرزندان مؤثر باشد و هم می تواند در نگرش های افراد در مورد عوامل بلا فصل باروری مؤثر باشد و لذا بر تعداد فرزندان آنها تأثیر بگذارد. علاوه بر اینها قومیت می تواند از طریق نگرش هایی که در مورد زن و خانواده وجود دارد، بر پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان و خانواده نیز مؤثر باشد و از این طریق نیز باروری را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین می توان به عوامل ساختاری اشاره کرد و اینکه در جامعه گروه قومی اقلیت نسبت به گروه اکثریت فرصت های یکسانی نداشته باشد و لذا در سطوح اقتصادی اجتماعی متفاوتی قرار بگیرند و لذا رفتارهای باروری متفاوتی داشته باشند. در واقع همانگونه که سنز و مورال^۴ اشاره دارند گروه های قومی تجربیات زندگی متفاوتی دارند، که این تجربیات منحصر به فرد را می توان در تجربیات اقتصادی اجتماعی و جمعیت شناختی شان مشاهده کرد (پوستون و میکلین^۵ ۲۰۰۵: ۱۷۴).

قومیت ها در ایران

همانگونه که مشاهده می شود، قومیت می تواند نقش مؤثری را در باروری اختلاقی داشته باشد. ایران نیز یک کشور چند قومیتی است. بر اساس مطالعات صورت گرفته می توان ۹ زبان متفاوت را در جمعیت ایران از هم باز شناخت، که عبارتند از: فارسی، ترکی، کردی، لری، عربی، گیلکی، مازندرانی، بلوچی و ترکمنی (امانی

1. Permanent sterility
2. Spontaneous intrauterine mortality
3. Induced abortion
4. Rogelio Saenz and M. Cristina Morales
5. Dudley L. Poston and Michael Micklin

۱۳۸۷: ۱۲۲)، و در این میان در حدود نیمی از جمعیت متعلق به گروه فارس زبان و در حدود ۳۴ درصد نیز متعلق به دو گروه قومی کرد و ترک می باشد و یک ششم باقی مانده نیز مربوط به سایر گروه های زبانی می باشد (عباسی و صادقی ۱۳۸۵: ۲). به این گروه های قومی زبانی می توان ویژگی دیگری را اضافه کرد و اینکه بلوچ ها و کردها بیشتر اهل سنت بوده و ترک ها، گیلکی ها، مازندرانی ها و لر ها بیشتر شیعه هستند (ترابی^۱ و دیگران ۲۰۱۰: ۳۰). همچنین اینکه گروه های قومی ایران از لحاظ جغرافیایی نیز در مناطق مختلفی از کشور پراکنده شده اند. به طوری که فارس زبان ها معمولا در نواحی مرکزی و سایر گروه های قومی در نواحی مرزی و مخصوصا نواحی شمال و شمال غربی کشور می باشند. توزیع جغرافیایی گروه های قومی در شکل (۱) نشان داده شده است.

شکل ۱. توزیع جغرافیایی گروه های قومی در ایران^۲



مأخذ: ترابی و دیگران ۲۰۱۰: ۳۷

قومیت و باروری در ایران

مطالعات صورت گرفته نشان از تفاوت در رفتارهای باروری گروه های قومی ایران می باشد (عینی زیناب ۱۳۸۱، سیف اللهی ۱۳۷۵، عباسی ۱۳۸۰، عباسی و دیگران ۱۳۸۳). برای مثال میانگین فرزندان به دنیا آمده در بین گروه های زبانی از ۴/۹ تا ۳/۰۱ در تغییر می باشد (بلوچ ۴/۹، کرد ۴/۸، فارس ۳/۷، آذری ۳/۴، گیلکی ۳/۰۱) (عباسی و دیگران ۱۳۸۳: ۲۸). همچنین مطالعات نشان داده است که باروری گروه های زبانی بر اساس مناطق جغرافیایی نیز متفاوت است، برای مثال بر اساس اطلاعات طرح بررسی زاد و ولد کشور در ۱۳۷۰ بین زنان فارسی زبان استان های شمال و شمال شرقی، تهران و مرکز ایران، و متکلمین همین زبان در استان های جنوب، جنوب غربی و جنوب شرقی تفاوت چشمگیری در رفتار باروری دیده می شود (سیف اللهی ۱۳۷۵).

همانگونه که ذکر شد یک گروه قومی هم می تواند از طریق تأثیر مستقیم بر عوامل بلا فصل بر باروری مؤثر باشد

1. Torabi

۲. این تصویر بر اساس گروه های زبانی غالب (۷۵ درصد و بیشتر) ترسیم شده است. منظور از گروه مختلط (mixed) استانی است که در آنها گروه های مختلف قومی تقریبا سهم مساوی را دارا می باشند که شامل استان های گلستان، همدان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و خوزستان می باشند.

و هم اینکه به صورت غیر مستقیم و از طریق عوامل زمینه‌ای بر این عوامل تأثیر بگذارد. بر طبق مطالعات صورت گرفته، در بین گروه‌های قومی ایران بر اساس این عوامل نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. در مورد عوامل بلافصل باید بگوییم که سن ازدواج در بین گروه‌های قومی ایران متفاوت می‌باشد (محمودیان ۱۳۸۳، ترابی و دیگران ۲۰۱۰)، برای مثال در سال ۱۹۹۰، سن ازدواج گروه‌های قومی از ۲۲ در بین گیلکی‌ها تا ۱۷ در بین بلوچ‌ها در تغییر می‌باشد (ترابی و دیگران ۲۰۱۰). همچنین می‌توان به تفاوت در میزان استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی اشاره کرد (عینی زیناب ۱۳۸۱، عباسی و دیگران ۱۳۸۳). برای مثال بیشترین میزان استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی در بین قومیت‌های ایران به ترتیب زیر می‌باشد؛ آذری زبان ۸۱ درصد، فارس و گیلکی زبان ۷۹ درصد، کرد ۷۷ درصد و بلوچ‌ها ۳۶ درصد (عباسی و دیگران ۱۳۸۳: ۴۱).

در مورد عوامل زمینه‌ای (اقتصادی و اجتماعی) نیز باید بگوییم که در بین استان‌های ایران تفاوت‌های بسیاری وجود دارد (امانی ۱۳۸۷: ۱۲۳، ترابی و دیگران ۲۰۱۰، عرفانی ۲۰۰۵، به نقل از ترابی و دیگران ۲۰۱۰، عباسی و دیگران ۱۳۸۳: ۸۷ و ۸۲، عباسی و صادقی ۱۳۸۵). برای مثال در مطالعات عباسی و صادقی (۱۳۸۵) قومیت‌های بلوچ، کرد، لر و عرب در موقعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری نسبت به گروه‌های فارس، ترک و گیلک زبان قرار دارند. همچنین عرفانی (۲۰۰۵) (به نقل از ترابی و دیگران ۲۰۱۰) تفاوت‌های اساسی را در آهنگ توسعه در بین قومیت‌ها در دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ مطرح می‌کند که در آن فارس‌ها عمدتاً در سطوح بالای توسعه، گیلک و مازندران در سطح متوسط توسعه، کرد، ترک و لر در سال ۱۳۶۵ در سطح پایین توسعه و در سال ۱۳۷۵ در سطح متوسط توسعه و بلوچ‌ها در کل دوره در سطح پایین توسعه قرار دارند. در مطالعات ترابی و دیگران (۲۰۱۰) نیز، نرخ مشارکت زنان گیلانی در حدود چهار تا پنج برابر سایر گروه‌ها بود. در مطالعات امانی (۱۳۸۷): ۱۲۲) بیشترین سطح سواد زنان در میان قومیت‌ها در سال ۱۳۷۲ به ترتیب زیر عنوان شد؛ گیلک و مازندران ۷۵ درصد، لر ۶۹ درصد، ترک ۶۴ درصد، کرد ۵۷ درصد و بلوچ ۴۹ درصد. امانی همچنین با توجه به اینکه زبان را می‌توان یکی از عوامل نشان‌دهنده مشارکت زنان در اجتماع دانست، درصد زنانی که در هر یک از قومیت‌ها علاوه بر زبان قومی قادر به صحبت کردن به زبان فارسی می‌باشند را نیز محاسبه کرد و در این میان بیشترین درصد زنان دو زبانه به شرح زیر می‌باشد؛ مازندران ۹۷ درصد، گیلک ۹۲ درصد، لر ۸۸ درصد، ترک ۷۶ درصد، کرد ۷۱ درصد و بلوچ ۵۲ درصد، که با توجه به این نتایج می‌توان گفت که زنان مازندران و گیلک تماس بیشتری با نهادها و فعالیت‌های بیرون از خانه دارند.

همانگونه که مشاهده می‌شود عوامل زمینه‌ای و بلافصل مؤثر بر باروری در بین گروه‌های قومی ایران متفاوت می‌باشند و بنابر آنها سطوح باروری متفاوتی نیز در این گروه‌ها تجربه می‌شود. لذا در سیاست گذاری‌ها باید به این تفاوت‌ها توجه شود.

در مورد اینکه کدام دسته از عوامل در رابطه بین قومیت و باروری تأثیر بیشتری دارند و اینکه مکانیسم این تأثیر گذاری به چه صورتی می‌باشد، نظریات متفاوتی مطرح می‌شود. در ادامه ابتدا نگاهی به این نظریات می‌اندازیم و سپس به بررسی چند نمونه از تحقیقاتی که در رابطه با قومیت و باروری در ایران صورت گرفته است می‌پردازیم. در نهایت نیز تا آنجایی که در توان باشد نقاط ضعف و قوت تحقیقات مزبور را ذکر کرده و پیشنهادات اصلاحی را مطرح می‌کنیم.

چارچوب نظری مطالعات قومیت و باروری

به طور کلی و جدای از باروری، برای توصیف تفاوت‌های قومی در الگوهای اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی می‌توان دو دیدگاه نظری را مطرح کرد (پوستون و میکلین^۱ ۲۰۰۵: ۱۸۲):

دیدگاه همانندی^۲

این دیدگاه توسط میلتون گوردون^۳ و بر اساس نظریات رابرت پارک گسترش یافت. گوردون همانندی را فرایندی ۸ مرحله‌ای در نظر می‌گرفت:

۱ - همانندی فرهنگی یا فرهنگ‌پذیری: عبارت است از یادگیری فرهنگ گروه اکثریت توسط اعضای گروه اقلیت.
 ۲ - همانندی ساختاری: این مرحله را به دو مرحله فرعی، همانندی اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. در ثانویه بین اعضای گروه اقلیت با اعضای گروه اکثریت، در جایگاه‌های سازمانی و نهادی، روابط غیر شخصی برقرار می‌شود. همانندی اولیه شامل روابط بین فردی گرم بین اعضای دو گروه، در شکل گروه‌های دوستانه است. در نظر گوردون این مرحله یک مرحله اساسی در همانندی است و زمانی که این مرحله رخ بدهد، انتظار است که مراحل بعدی به طور اتوماتیک به وجود بیایند.

۴ - همانندی مربوط به زناشویی^۴

۵ - همانندی هویتی^۵

۶ - همانندی پذیرندگی نگرشی^۶ (عدم تعصب)

۷ - همانندی پذیرندگی رفتاری (عدم تبعیض)

۸ - همانندی مدنی^۷ (عدم تعارض قدرتی یا ارزشی)

این دیدگاه مبتنی بر این است که، زمانی که اعضای گروه اقلیت به همانندی ساختاری اولیه دست یابند، احتمال دارد که با اعضای گروه اکثریت ازدواج کنند، و هویت قومی‌شان را در جهت هویت گروه اکثریت کنار می‌گذارند، و به این لحاظ احتمال کم‌تری وجود خواهد داشت که مورد تبعیض و پیشداوری قرار بگیرند. در واقع با توجه به این دیدگاه در مورد باروری متفاوت گروه‌های قومی با گروه اکثریت می‌توانیم بگوییم که این گروه‌ها در مراحل متفاوتی از همانندی قرار دارند و هرچه که همانندی بیشتر شود تفاوت‌ها از بین می‌رود.

۱- دیدگاه ساختاری^۸

این دیدگاه وضعیت اقتصادی و اجتماعی گروه اقلیت را به پدیده‌های سطح کلان یا سطح اجتماعی نسبت می‌دهد. در این نسبت‌دهی، نیروهای حاکم بر افراد به عنوان مسئول الگوهای اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی گروه‌های اقلیت هستند. این دیدگاه را جامعه‌شناسان برای فهم طبقه‌بندی گروه‌های اقلیت شکل داده‌اند. این دیدگاه در جستجوی نیروهایی می‌باشد که گروه‌های اقلیت را در پایین‌ترین مرتبه نردبان اقتصادی و اجتماعی

1. Dudley L. Poston and Michael Micklin

2. Assimilation Perspective

3. Milton Gordon

4. marital assimilation

5. identificational assimilation

6. attitudinal receptional assimilation

7. civic assimilation

8. Structural Perspectives

قرار می‌دهند. در اینجا نیز می‌توانیم بگوییم که افراد در موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت، رفتار باروری متفاوتی را نیز دارا می‌باشند. همانگونه که ذکر شد این دو دیدگاه به طور کلی ارتباط بین قومیت و مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی را در نظر دارند. ولی از آنجایی که مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی بر باروری نیز مؤثرند می‌توان آنها را در مورد باروری نیز به کار برد. ولی جدای از اینها فرضیه‌هایی مختص به ارتباط بین قومیت و باروری نیز وجود دارد که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم.

فرضیه مشخصه‌های اجتماعی^۱

این فرضیه تفاوت در باروری گروه‌ها را ناشی از تفاوت در مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌ها به ویژه سواد و درآمد می‌داند. در واقع تفاوت در باروری گروه‌های قومی صرفاً ناشی از تفاوت آنها در توزیع منابع اقتصادی و اجتماعی همبسته با تصمیم‌گیری در تولید مثل است (فورست و تیندا^۲ ۱۹۹۶: ۱۱۱). لذا زمانی که همانندی و فرهنگ‌پذیری صورت بگیرد، تفاوت در باروری نیز از بین می‌رود. این فرضیه در دو شکل قوی و ضعیف وجود دارد. در شکل قوی تفاوت در باروری را به طور کامل ناشی از تفاوت در مشخصه‌های اجتماعی که بر باروری مؤثر هستند می‌داند. در شکل ضعیف‌تر، فرضیه مشخصه‌ها عمدتاً برای آندسته از اقلیت‌هایی درست است که به طور نسبی دارای وضعیت اقتصادی و اجتماعی برتری هستند، چرا که همانندی و فرایند فرهنگ‌پذیری در میان آنها بیشتر است (بین و تیندا ۱۹۸۲: ۲۱۲).^۳ در رابطه با این فرضیه و این که عامل اصلی تفاوت‌های باروری ناشی از تفاوت در مشخصه‌هاست، مطالعات بسیاری صورت گرفته ولی بیشترشان نشان دادند که بعد از کنترل آماری مشخصه‌ها تفاوت در باروری به طور کامل از بین نمی‌رود که منجر به فرضیه‌های دیگری که بر موقعیت قومی تأکید می‌کردند شد (فورست و تیندا ۱۹۹۶: ۱۱۱). البته با این حال برخی تحقیقات نیز امروزه به گونه‌ای بر نتایج فرضیه مشخصه‌ها تأیید می‌گذارند. برای مثال وینرب^۴ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای در کنیا تأکید دارد که قومیت تأثیری بر باروری ندارد بلکه دسترسی به قدرت سیاسی و از طریق آن دسترسی به منابع عامل اساسی تفاوت‌های قومی است. در مطالعه دیگری جاسیویک^۵ (۲۰۰۲) با توجه به اینکه تفاوت‌های قومی در بین مناطق بیشتر از درون مناطق می‌باشد نتیجه گرفت که تفاوت قومی مرتبط با منطقه‌ای است که باروری در آن رخ می‌دهد. در واقع به علت تفاوت قابل توجه در بین مناطق و تفاوت کم در داخل یک منطقه می‌توان گفت که قومیت عامل قوی در رفتار باروری نیست. این نتایج در ایران نیز به دست آمده است برای مثال سیف‌اللهی (۱۳۷۵) نشان داد که بین زنان فارسی زبان استان‌های شمال و شمال شرقی، تهران و مرکز ایران، و متکلمین همین زبان در استان‌های جنوب، جنوب غربی و جنوب شرقی تفاوت چشمگیری در رفتار باوری دیده می‌شود.

فرضیه مشخصه‌های خرده‌فرهنگی^۶

در این منظر تفاوت در باروری ناشی از تأثیر ارزش‌های پروناتالیستی، هنجارهای فرهنگی و سیاست‌هایی است

1. Social Characteristics Hypothesis
2. Renata Forste and Marta Tienda

۳. به نقل از (پوستون ۲۰۰۶: ۱۱)

4. weinreb
5. Damir Josipovic
6. Social characteristics

که خانواده بزرگ را حمایت می‌کنند. بنابر این فرضیه باروری بالا در بین اعضای گروه اقلیت، حتی در بین طبقات از لحاظ اقتصادی واجتماعی بالای آن، بعد از کنترل مشخصه‌های اقتصادی واجتماعی پایدار می‌ماند (پوستون^۱ و دیگران ۲۰۰۶: ۱۲). در واقع از آنجایی که هنجارها و ارزش‌های خرده‌فرهنگی قومیت‌ها نقش عمده‌ای در زمان ازدواج و بچه‌زایی، ارزش فرزندان، تعداد فرزندان ایده‌آل و ... دارد، لذا گروه‌های قومی با تفاوت ارزش‌ها و هنجارها، رفتار باروری متفاوتی را نیز تجربه می‌کنند.

فرضیه موقعیت گروه اقلیت^۲

این فرضیه توسط گلدشاید و اولنبرگ و در مقابل فرضیه مشخصه‌ها به وجود آمد. در اینجا بر نقش مستقل گروه اقلیت تأکید می‌شود و اینکه حتی با وجود همانندی در مشخصه‌های اقتصادی واجتماعی باز هم بین گروه اقلیت و اکثریت در رفتار باروری تفاوت مشاهده می‌شود (حسینی ۱۳۸۶: ۱۲۷). مکانیزم این تفاوت به دو صورت مطرح می‌شود (همان).

۱ - زمانی که فرهنگ‌پذیری گروه حاکم در بین گروه‌های اقلیت صورت نگرفته باشد. در اینجا به دلیل تمایل گروه اقلیت به حفظ هویت فرهنگی خود، نوعی خرده‌فرهنگ موافق با افزایش باروری به وجود می‌آید و باعث بالا بودن باروری می‌شود. همچنین ممکن است که گروه اقلیت بهبود موقعیت خود را در داشتن فرزندان بیشتر ببیند (هاینز ۲۰۰۲: ۹).

۲ - زمانی که در بین اعضای گروه اقلیت فرهنگ‌پذیری رخ داده است، ولی نوعی احساس عدم امنیت در بین اعضای گروه اقلیت برای تحرک اجتماعی وجود دارد. در واقع در اینجا گروه اقلیت احساس می‌کند که گروه حاکم به طور برابر موقعیت‌ها را در اختیار همه قرار نمی‌دهد. در واقع صرف قرار داشتن در موقعیت اقلیت آنها را از رسیدن به برخی موقعیت‌ها محروم می‌کند. در اینجا در افرادی که در گروه اقلیت قرار دارند این احساس به وجود می‌آید که برای رسیدن به موقعیت‌هایی که افراد هم‌سطح آنها در گروه اکثریت در آن قرار دارند، باید تلاش بیشتری را نسبت به آنها داشته باشند و حال در این تلاش بیشتر آنها باید یک‌سری از ترجیحات خود را کنار بگذارند و این احتمال وجود دارد که باروری‌شان را، به عنوان یک عامل دست‌پاگیر و هزینه‌بر در رسیدن به موقعیت بالاتر، کاهش دهند. یا اینکه تمایل در تحرک روبه بالا موجب تلاش بیشتر آنها در محدود کردن بعد خانواده برای تهیه منابع خانواده و تمرکز بر سرمایه انسانی بیشتر برای هر کودک بشود (فورست و تیندا ۱۹۹۶: ۱۱۱، هاینز^۳ ۲۰۰۲: ۹).

فرضیه کنش متقابل^۴

این فرضیه مدعی است که، مخصوصاً در طی گذار باروری، تفاوت‌های قومی در رفتار باروری در یک نقطه زمانی مشخص، موقتی بوده و وابسته به کنش متقابل سطح اقتصادی واجتماعی و هنجارهای فرهنگی حاکم بر سرعت

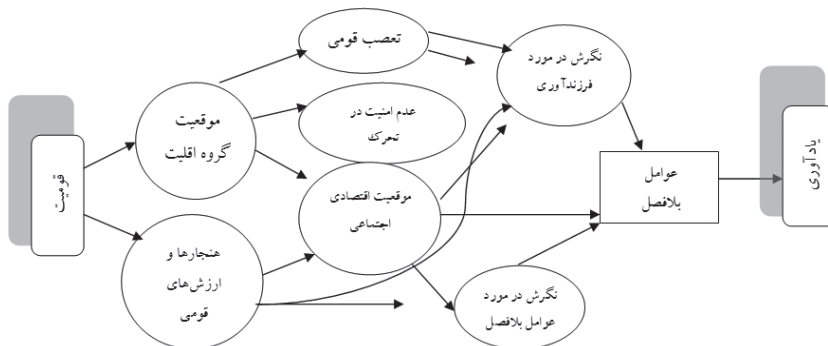
1. Dudley L. Poston Jr
2. minority group status hypothesis
3. Michael R. Haines
4. Interaction

و درجه پاسخ‌دهی به سطح اقتصادی و اجتماعی‌اند، می‌باشند (چمی ۱۹۸۱: ۹، به نقل از بوث^۱ ۲۰۱۰: ۱۶). بر اساس این فرضیه گروه‌های قومی در یک روش مشابه به سطح اقتصادی و اجتماعی پاسخ می‌دهند، اگرچه با سرعت‌های متفاوت، لذا رفتار باروری‌شان نهایتاً در دوره‌های بعد از گذار به سمت همگرایی می‌رود، زمانی که تأثیرات هنجاری به وسیله شرایط جامعه مدرن از بین می‌روند.

طرح یک مدل

همانگونه که مشاهده می‌شود هر یک از این فرضیه‌ها به نوعی بر ابعاد مشخصی از رابطه قومیت و باروری تأکید می‌کنند، و همه در جایگاه خودشان درست می‌باشند. ولی به نظر می‌رسد که اگر یک دیدگاه ترکیبی از همه آنها داشته باشیم بهتر بتوانیم مکانیسم تأثیرگذاری قومیت بر باروری را مطرح کنیم. در واقع در یک دیدگاه ترکیبی قومیت می‌تواند از طریق هنجارهایی که در رابطه با فرزندآوری ارائه می‌دهد به طور غیرمستقیم بر عوامل بلافصل باروری تأثیر گذاشته و باروری را تحت تأثیر قرار دهد، از طرف دیگر قومیت‌ها می‌توانند نگرش‌ها و هنجارهای متفاوتی را در مورد خود عوامل بلافصل داشته باشند و از این طریق نیز بر باروری تأثیرگذار باشند. همچنین می‌توان گفت که قرار گرفتن در گروه قومی ممکن است که نوعی احساس تعصب قومی ایجاد کرده و از آن طریق نیز نگرش‌ها را در مورد فرزندآوری تحت تأثیر قرار دهد، یا اینکه قرار گرفتن در این موقعیت به گونه‌ای معکوس و با احساس عدم امنیت در تحرک اجتماعی بر فرزندآوری تأثیر بگذارد. از طرف دیگر می‌توان گفت که قرار گرفتن در موقعیت قومی ممکن است که به دلیل شرایط ساختاری (برای مثال تبعیض) و یا این که به دلیل نگرش‌های موجود در خود قومیت‌ها (برای مثال نگرش‌هایی در مورد جایگاه زنان یا تحصیلات‌شان) افراد را در موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوتی قرار دهد و از این طریق نیز بر نگرش‌های افراد هم در مورد فرزندآوری و هم در مورد عوامل بلافصل مؤثر باشد. مکانیسم این نگاه ترکیبی در شکل (۲) ترسیم شده است. توجه داشته باشید که در میان اکثر روابط، نوعی تعامل برقرار است و لذا اگر در تحقیقات صورت گرفته در مورد قومیت و باروری بر یکی از این روابط تأکید شود، ممکن است که نتایج دچار تحریف شوند (این موضوع را در مباحث بعدی بیشتر توضیح می‌دهیم). در واقع تأکید ما این است که در مطالعات، کلیه روابط به همراه هم در نظر گرفته شوند.

شکل ۲- مکانیسم روابط ترکیبی قومیت و باروری



1. Heather booth

کارهای صورت گرفته

در این قسمت به ارائه تعدادی از کارهایی که در ایران در حیطه رابطه قومیت و باروری صورت گرفته می‌پردازیم. از میان کارهای صورت گرفته ۵ مورد را که نتایجشان در مجله‌های علمی پژوهشی کشور به ثبت رسیده است را انتخاب کرده‌ایم. ابتدا خلاصه‌ای از نتایج هر یک از آنها را ذکر کرده و سپس انتقاداتی را که بر هر یک از آنها می‌توان ذکر کرد آورده‌ایم. در پایان نیز نقد کلی را که می‌توان بر کلیه این کارها وارد کرد تحت عنوان نتیجه‌گیری ذکر شده است. لذا به خاطر عدم تکرار بحث‌ها به طور موردی بحث کم‌تری را راجع به هر مقاله داشته‌ایم و بحثی را که در نتیجه‌گیری می‌آوریم شامل کلیه کارها می‌باشد. کارهای انجام شده تحت عنوان‌هایی به شرح زیر می‌باشند:

• تمایل مادران استان‌های مختلف کشور به افزایش فرزند بیشتر بر حسب زبان و تعداد فرزند. (حجت

الله سیف الهی)

این بررسی بر اساس اطلاعات به دست آمده از طرح بررسی زاد و ولد کشور در سال ۱۳۷۰ انجام شده است و اثر زبان مادری و سکونت در استان‌های مختلف بر سطح باروری زنان مورد بررسی قرار گرفته است. بر طبق نتایج این بررسی هم بین قومیت‌ها و هم بین استان‌ها تفاوت زیادی در سطح باروری زنان دیده می‌شود. به صورتی که زن‌های بلوچی، کرد و لر زبان ساکن استان‌های جنوب شرقی، غرب و شمال غربی با اینکه بیش از ۶ بچه دارند باز می‌خواهند بچه‌دار شوند. در صورتی که زن‌های شمالی و آذری زبان استان‌های شمال و شمال غربی تنها در شرایط داشتن ۱ تا ۲ فرزند، مایل به داشتن فرزند دیگری هستند. همچنین اینکه تفاوت چشمگیری در تمایل به باروری در بین زنان فارسی زبان استان‌های شمال شرقی، شمال و مرکز، با متکلمین همین زبان‌ها در استان‌های جنوب غربی، جنوب شرقی و جنوب وجود دارد. به طوری که گروه اول با داشتن ۱ تا ۲ فرزند و گروه دوم با بیش از ۶ فرزند تمایل به باروری بیشتر دارند.

این بررسی کاملاً جنبه توصیفی داشته و به اینکه چه مکانیسمی در پس این تفاوت‌ها وجود دارد نپرداخته است. ولی مزیت آن در این بود که نشان داد در بین افراد یک قومیت بر حسب منطقه سکونتشان تفاوت در رفتار باروری وجود دارد.

• قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی. (مهدی طالب و محسن گودرزی)

این بررسی در میان شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان صورت گرفت و به بررسی باروری در دو گروه قومی بلوچ و غیربلوچ پرداخت. در این بررسی فرض اصلی محققان بر این بود که نابرابری آموزشی در دو گروه قومی منجر به دو شیوه نگرش و زندگی خانوادگی با دو عملکرد متفاوت جمعیتی شده است.

در این بررسی محققان خود را محدود به متغیر تحصیلات کرده، در صورتی که سایر متغیرهای زمینه‌ای را کنترل نکردند. همچنین اینکه مکانیسمی که از طریق آن تحصیلات بر باروری مؤثر می‌باشد نیز مشخص نشد. در واقع با توجه به اینکه تا عوامل بلافاصله باروری تغییر نکنند در باروری تغییری حاصل نمی‌شود (بنگارتز ۱۹۸۳: ۱)، در این بررسی باید مشخص می‌شد که تحصیلات کدام دسته از عوامل بلافاصله را در این قومیت‌ها تغییر داده و منجر به تفاوت در باروری آنها شده است.

• قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران. (محمد جلال عباسی شوازی و

رسول صادقی

در این بررسی محققان با استفاده از داده‌های طرح، بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار ۱۳۸۰، به بررسی تفاوت‌های قومی باروری در ایران پرداختند، و نشان دادند که با کنترل مشخصه‌های اجتماعی جمعیتی، تفاوت‌های قومی باروری کاهش یافته ولی هنوز در سطح معناداری قرار دارد.

در این بررسی محققان با وجود اینکه در بحث‌های مقدماتی به فرض‌های متفاوت رابطه قومیت و باروری اشاره کرده بودند ولی در بحث‌های تحلیلی‌شان فقط به آزمون فرضیه مشخصه‌ها پرداخته و توجهی به فرض‌های دیگر قومیت و باروری نداشتند. همچنین اینکه در این بررسی نیز توجهی به عوامل بلافصل باروری نشد، و لذا محققان نتوانستند مکانیسم تأثیرگذاری را به طور مشخص نشان دهند. در واقع هنوز معلوم نیست اینکه باروری متفاوت است ناشی از تفاوت در کدام عامل بلافصل در بین قومیت‌هاست (برای بحث بیشتر به نتیجه گیری مراجعه کنید).

• قومیت، نابرابری آموزشی و باروری (حاتم حسینی، امیر هوشنگ مهریار)

در این بررسی که در سال ۱۳۸۵ در شهرستان ارومیه انجام گرفت، محققان به این نتیجه رسیدند که تفاوت در سطوح باروری گروه‌های قومی بازتاب جایگاه متفاوت آنها در نظام آموزشی است که ریشه در توسعه نامتوازن دارد. در این بررسی محققان مشاهده کردند که پس از کنترل متغیرهای مورد تحلیل، تفاوت‌های قومی در باروری از حدود ۲ فرزند (۳/۹ برای کردها و ۱/۹ برای ترک‌ها) به ۰/۵۷ فرزند کاهش پیدا می‌کند. در واقع آنها در این بررسی توسعه نامتوازن را باعث نابرابری در آموزش و نابرابری آموزشی را مؤثر بر نگرش به شمار ایده‌آل فرزندان، ارزش فرزندان، ارزش خانواده‌های بزرگ، برنامه تنظیم و تقدیرگرایی دانستند و لذا نابرابری آموزشی به طور غیر مستقیم مؤثر بر تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری در نظر گرفته شد.

در بحث از نتایج این بررسی باید بگوییم که در این بررسی سایر فرض‌های قومیت و باروری در نظر گرفته نشدند و فقط فرضیه مشخصه‌ها مورد نظر بوده و همچنین اینکه در این فرضیه نیز خود را محدود به متغیر تحصیلات کردند. تأکید بر یک متغیر زمینه‌ای (سطح تحصیلات) در مورد باروری تا اندازه‌ای ممکن است که موجب تحلیل‌های سطحی بشود. چرا که اگر در تحلیل‌های رگرسیونی، سایر متغیرهای زمینه‌ای نیز وارد معادله می‌شدند، ممکن بود که از وزن تحصیلات کاسته شود. از طرف دیگر در این بررسی توسعه نامتوازن عامل نابرابری آموزشی دانسته شده بود و در صورتی که همانگونه که در مدل ارائه شده در این بررسی نشان دادیم، این امکان وجود دارد که تفاوت در نگرش‌های مربوط به نقش زنان و خانواده در قومیت‌ها باعث تفاوت در سطح تحصیلات زنان بشود. در واقع متغیرهای سوم (کاذب) فراوانی وجود دارند که هم مؤثر بر سطح سواد زنان و هم مؤثر بر سطح باروری می‌باشند. همچنین در این بررسی نیز با وجود اینکه عوامل بلافصل را نیز اندازه‌گیری کرده و در تحلیل‌ها دخالت دادند ولی هنوز مکانیسم تأثیرگذاری تحصیلات مشخص نشد.

• قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه

(محمد جلال عباسی شوازی و حاتم حسینی).

در این بررسی عباسی و حسینی به بررسی تفاوت در رفتار باروری زنان کرد و ترک در چهار چوب رویکردهای نظری ارائه شده برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری پرداختند و نشان دادند که هر چند تفاوت گروه‌های قومی در گذر زمان کم‌تر شده است، ولی کردها در مقایسه با ترک‌ها، متوسط زنده‌زایی بیشتری را در کوه‌های

مختلف ازدواج و مولید تجربه کرده‌اند. در این بررسی با کنترل عوامل بلافصل و زمینه‌ای به طور همزمان نشان داده شد که تفاوت‌های قومی در باروری ۸۳ درصد کاهش یافته و از ۱/۰۷ در قبل از کنترل به ۰/۱۸ فرزند در بعد از کنترل رسید.

در این بررسی تا حدودی به مکانیسم تأثیرگذاری نیز اشاره شد. برای مثال نشان داده شد که پس از ورود مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی به معادله رگرسیون، در تعیین کننده‌های بلافصل، برای مثال استفاده از روش‌های پیشگیری از حاملگی، تغییر به وجود آمد که نشان از این است که مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی از طریق این تعیین کننده‌ها باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته بهتر بود که به این روند در کلیه عوامل بلافصل و برای کلیه عوامل زمینه‌ای توجه شود.

همچنین در این بررسی نشان داده شد که با ورود مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی از شدت عوامل قومی و فرهنگی، مانند بی‌عدالتی قومی و هنجارهای خرده‌فرهنگی، کاسته می‌شود که نشان از این است که مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی از طریق عوامل قومی و فرهنگی نیز باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ولی در این بررسی محققان فرضیه‌های موقعیت گروه اقلیت را از هم تفکیک نکردند و همچنین مکانیسم تأثیرگذاری عوامل فرهنگی بر عوامل بلافصل را شرح ندادند.

از مزیت‌های این بررسی نسبت به بررسی‌های پیشین این بود که در این بررسی محققان با استفاده از یک رویکرد ترکیبی، به گونه‌ای هم عوامل اقتصادی و هم عوامل فرهنگی و هم عوامل بلافصل را مورد نظر قرار دادند و لذا از بررسی‌های پیشین نگاه کامل‌تری به رابطه قومیت و باروری داشتند. لذا در اینجا هر نقدی را که بر این بررسی داشته باشیم شامل سایر بررسی‌های پیشین هم می‌شود، و به این خاطر بحث بیشتر در این بررسی را به نتیجه‌گیری پایانی موقوف می‌کنیم.

بحث و نتیجه‌گیری

در این بررسی تمرکز ما بر رابطه قومیت و باروری به ویژه در ایران بود. لذا در ابتدا تفاوت‌هایی را که در رفتار باروری گروه‌های قومی ایران وجود دارد را به نقل از تحقیقات صورت گرفته نشان دادیم. همچنین تفاوت‌های موجود در عوامل مؤثر بر باروری را که منجر به تفاوت در باروری شده بود را نیز ذکر کردیم. در ادامه به بحث‌های تئوریک که در مورد مکانیسم تأثیرگذاری قومیت بر باروری وجود داشت را نیز شرح دادیم و با توجه به آنها به ارائه مدلی از چگونگی تأثیرات قومیت بر باروری پرداختیم. در نهایت برای شناخت مکانیسم تأثیرگذاری قومیت بر باروری در شرایط فرهنگی جامعه ایران به ذکر نتایج چند نمونه از تحقیقات صورت گرفته در ایران پرداختیم. متأسفانه با وجود اینکه ایران یک شرایط ویژه چندقومی را دارا می‌باشد، هنوز تحقیقات کمی در این رابطه صورت گرفته است. اکثر تحقیقات صورت گرفته نیز نگاه‌های محدودی به چند قومیت ایران داشته‌اند و به طور کلی همه قومیت‌های ایران و مخصوصاً دو قطب قومی در باروری ایران - گیلک و مازندران با باروری کمتر از گروه اکثریت در یک طرف و در طرف دیگر بلوچ با باروری در سطح بسیار بالاتر از گروه اکثریت - که بسیار مناسب برای تحقیقات قومیت و باروری می‌باشند مورد توجه واقع نشده‌اند. همچنین اینکه اکثر تحقیقات صورت گرفته دیدگاهی محدود به فرضیه مشخصه‌ها را در چهارچوب کاری خود قرار داده و هنوز تأثیر دو فرضیه تقابلی که در

مورد موقعیت گروه اقلیت وجود دارند، از هم تفکیک نشده‌اند. علاوه بر اینها به طور کلی می‌توان به ضعف‌های زیر در تحقیقات قومیت و باروری در ایران اشاره کرد.

در ابتدا باید بگوییم، از آنجایی که تا تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری تغییر نکنند، باروری تغییر نمی‌کند (بنگارتز ۱۹۸۳: ۱)، لذا هر تحقیقی که بخواهد به مطالعه در تغییرات باروری و باروری اختلافی بپردازد، باید اول از همه به طور کامل عوامل بلافصل در باروری را در جمعیت‌های مورد نظر شناسایی کند. در واقع نقطه تمرکز کلیه بحث‌های باروری باید بر این متغیرها باشد، مخصوصاً زمانی که قرار باشد به تأثیر عوامل زمینه‌ای بر باروری اشاره شود. برای مثال اگر بخواهیم مکانیسم تأثیرگذاری تحصیلات بر باروری را توضیح دهیم، این کافی نیست که بگوییم زنان بی‌سواد دارای نگرش سنتی به فرزندآوری‌اند و بالعکس. بلکه ما باید تفاوت در متغیرهای بلافصل را در سطوح متفاوت تحصیلی ببینیم. چراکه صرف تفاوت در متغیرهای زمینه‌ای، تا زمانی که به تفاوت در متغیرهای بلافصل منجر نشود، نمی‌تواند موجب تغییرات در باروری شود (همان). یکی از کاستی‌های مهم در بررسی‌های صورت گرفته در ایران و عدم توانایی‌شان در شرح مکانیسم تأثیرات قومیت بر باروری، عدم توجه به همین موضوع است.

در واقع باید بگوییم که در تحقیقات ابتدا باید مشخص کرد که آیا قومیت‌های مختلف در ایران به صراحت هنجارهای مشخصی را در مورد رفتارهای مرتبط با تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری دارند. همچنین اینکه اگر این هنجارها وجود دارد، تا چه میزان فشار اجتماعی غیررسمی از آن حمایت می‌کند، و به چه مقدار اعضاء به آنها پایبند هستند. سپس همین روند را در میان قومیت‌ها و در سطوح متفاوت اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی انجام دهیم.

همچنین باید بگوییم که اکثر این تحقیقات در تلاش برای توضیح رفتار باروری با متغیرهای اقتصادی و اجتماعی، با استفاده از معادله‌های رگرسیونی می‌باشند که به طور مشخص یک چهارچوب مرتبط با فرضیه مشخصه‌ها را قبول می‌کنند. در صورتی که همانگونه که فورست و تیندا (۱۹۹۶) ذکر می‌کنند، این روش، فرضیه‌های گروه اقلیت و فرهنگی را به صورت تبعی در نظر گرفته و به تفاوت باقی‌مانده نسبت می‌دهد. در واقع هنوز مشخص نیست که چرا تعلق به یک قومیت منجر به تفاوت در باروری می‌شود. همانگونه که بوث (۲۰۱۰) اشاره دارد، برای مشخص کردن دقیق اثر فرضیه‌های فرهنگی و موقعیت گروه اقلیت باید به مطالعات کیفی پرداخت که بتوان عوامل تاریخی را نیز مورد محاسبه قرار داد. در صورتی که بیشتر تحقیقات صورت گرفته در ایران نه تنها که کیفی نیستند بلکه از داده‌های ثانویه استفاده کرده‌اند که کلاً به قصد دیگری جمع‌آوری شده بودند. همچنین مبتنی بر روش رگرسیونی بودن ممکن است که، برای مثال در محاسبه عوامل فرهنگی، متغیرهای نماینده^۱ را با هم ترکیب کرده و لذا در نشان دادن مکانیسم تأثیرگذاری شکست بخورد (فورست و تیندا ۱۹۹۶). همچنین باید بگوییم که قدرت تبیینی فرضیه مشخصه‌ها در توضیح تفاوت در سطوح جمعیتی محدود به تأثیر ترکیب‌های اقتصادی و اجتماعی در یک شرایط فرضی است که در آن تعامل آماری بین یک مشخصه اقتصادی و اجتماعی و قومیت وجود نداشته باشد. در صورت وجود تعامل آماری نتایج دچار تحریف می‌شوند. همچنین این امکان وجود دارد که تفاوت‌های ترکیبی، تفاوت‌هایی که در سطح جمعیتی در میان زیر گروه‌ها

1. Proxy variable

وجود دارد، را پنهان کند (بوث ۲۰۱۰).

نکته دیگری که باید ذکر کرد توجه به اهمیت مناطق در مطالعات قومیت و باروری است. در واقع این امکان وجود دارد که تفاوت‌های قومی در باروری در بین مناطق و درون مناطق کاملاً از هم متفاوت باشند (جوسیپویک^۱ ۲۰۰۲، سیف‌اللهی ۱۳۷۵).

در پایان باید بگوییم که حلقه مفقوده مطالعات باروری در ایران به ویژه مطالعات قومیت و باروری، عدم توجه به مردهاست. چرا که در جامعه ایران به نوعی تصمیم اصلی در خانواده به وسیله مردها صورت می‌گیرد. لذا ترجیحات باروری آنها نیز باید به طور جداگانه‌ای در نظر گرفته شود. همچنین اینکه وضعیت اقتصادی اجتماعی مردان به مقدار زیادی می‌تواند بر باروری و عوامل تعیین‌کننده آن تأثیرگذار باشد. برای مثال ترابی (۲۰۱۰) نشان داد که یکی از عوامل مؤثر در احتمال ازدواج زنان، نسبت اشتغال مردان و وضعیت تحصیلات آنها می‌باشد. همچنین باید بگوییم که در دو فرض اساسی موقعیت گروه اقلیت، نقش مردان می‌تواند برجسته‌تر از زنان باشد. چرا که معمولاً میزان تعصبات قومی در میان مردها متفاوت از زنان است. لذا در تبیین فرضیه‌های موقعیت گروه اقلیت بهتر است که مردان نیز به طور جداگانه‌ای مطالعه شوند.

منابع

۱. امانی مهدی، (۱۳۸۷): جمعیت‌شناسی عمومی ایران، تهران: انتشارات سمت
۲. ترکاشوند، محمد (۱۳۸۹): بررسی روندهای گذشته و چشم‌انداز آینده جمعیت ایران در دوره زمانی ۱۴۳۰-۱۳۳۰؛ پایان‌نامه کارشناسی رشته علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان - دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی.
۳. حسینی، حاتم، (۱۳۸۶): درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده چاپ سوم همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا.
۴. حسینی حاتم و امیر هوشنگ مهریار (۱۳۸۵): قومیت نابرابری آموزشی و باروری، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۴۱ تا ۱۶۷
۵. سیف‌اللهی، حجت‌الله (۱۳۷۵): تمایل مادران استان‌های مختلف کشور به افزایش فرزند بیشتر بر حسب زبان و تعداد فرزند، مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء ۱۳ و ۱۴ صص ۱۷۵ تا ۱۹۳
۶. طالب، مهدی و محسن گودرزی (۱۳۸۲): قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، مهر ۱۳۸۲، صص ۱۱۳ تا ۱۴۲
۷. عباسی شوازی، محمدجلال، (۱۳۸۰). همگرایی رفتارهای باروری در ایران، میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۵، نامه علوم اجتماعی شماره ۱۸ صص ۲۳۱-۲۰۱
۸. عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاووشی، پیتیر مک دونالد و بهرام دلوار (۱۳۸۳): تحولات باروری در ایران؛ شواهدی از چهار استان منتخب، معاونت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۹. عباسی شوازی، محمد جلال و حاتم حسینی (۱۳۸۶): قومیت و باروری؛ تبیین فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دوم، شماره ۴ زمستان ۱۳۸۶، صص ۵ تا ۴۱
۱۰. عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی (۱۳۸۵): قومیت و باروری؛ تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۵ صص ۳۰ تا ۵۷
۱۱. عینی زیناب، حسن (۱۳۸۱): ارزیابی تأثیر برنامه تنظیم خانواده بر باروری، کاربرد مدل گسترش استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری در شهرستان‌های منتخب ایران در سال ۱۳۷۹. مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران در تحولات اخیر و آینده جمعیت ایران ۲۹ و ۳۰ بهمن ۱۳۸۱، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه ۱۳۸۳
۱۲. محمودیان حسین (۱۳۸۳): سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۳ صص ۲۷ تا ۵۳
۱۳. میرزایی، محمد، (۱۳۷۵): متغیرهای جمعیتی و فرهنگ، نامه پژوهش؛ فصلنامه تحقیقات فرهنگی شماره ۱، تابستان ۱۳۷۵ صص ۶۹-۷۷
۱۴. ویکس، جان، (۱۳۸۵): جمعیت: مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات ترجمه‌ی الهه‌ی میرزایی تهران: انتشارات مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

15. Bongaartes, John and Robert G. potter. (1983) fertility, biology and behavior, an analysis of the proximate determinants, academic press, new York, London

16. Booth, Heather. (2010). Ethnic Differentials in the Timing of Family Formation: A Case Study of the Complex Interaction between Ethnicity, Socioeconomic Level, and Marriage Market Pressure. *Demographic Research* Volume 23, ARTICLE 7, PAGES 190-153 Published 23 July 2010 <http://www.Demographic-Research.Org/Volumes/Vol7/23/> DOI: 10.4054/Demres.2010.23.7
17. Forste, R. and Tienda, M. (1996). Whats Behind Racial and Ethnic Fertility Differentials? *Population and Development Review* Vol. 22, Supplement: Fertility in the United States: New Patterns, New Theories: 133-109.
18. Haines, Michael R. (2002) «Ethnic Differences in Demographic Behavior in the United States: Has There Been Convergence?» Department of Economics Colgate University 13 Oak Drive Hamilton, NY 7536-228-315 13346
19. Hosseni – Chavoshi, M., P, McDonald and M.J, Abbasi – Shavazi. (2007). Fertility and contraceptive use dynamics in Iran and its low fertility region, working paper no. 1, Australian demographic and social research institute (ADSRI), college of arts and social sciences
20. Josipovic, damir (2002) some geographical aspect of fertility behavior in selected examples in Slovenia, *Delu* 531-517 .18
21. Kinsella, Kevin and David R. Phillips (2005); *Global Aging: The Challenge of Success*, Population Reference Bureau; *Population Bulletin* Vol. 60, No. 2005 1. www.prb.org
22. Poston, Dudley L. and Michael Micklin (2005) *HANDBOOK OF POPULATION*, Kluwer Academic/ Plenum Publishers, New York, Boston Dordrecht London Moscow
23. Poston Jr, Dudley L. and Chiung-Fang Chang2 & Hong Dan (2006) Fertility differences between the majority and minority nationality groups in China, *Population Research and Policy Review* ((2006 101–67 :25
24. Torabi Fatemeh and Baschieri, A. (2010). Ethnic differences in transition to first marriage in Iran: the role of marriage market, women's socio-economic status, and process of development. *Demographic Research* 62-29 :(2)22. Doi: 10.4054/DemRes. 2010.22.2
25. Weinreb Alexander A. (2001) first politics, then culture; accounting for ethnic differences in demographic behavior in Kenya. *Population and development review* 467-437;(3) 27
26. United Nations (2009a). *World Population Prospects: The 2008 Revision*. New York: United Nations: <http://esa.un.org/unpd/wpp2008/index.htm>